

عنوان مقاله:

درآمدی بر کارکرد هزار و یک شب در پهنه ادبیات تطبیقی

محل انتشار:

کنفرانس بین المللی ادبیات و پژوهش های تطبیقی در آن (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسندگان:

شهرام دلشاد - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا

مقصود بخشش - دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی

خلاصه مقاله:

یک اثر زمانی می تواند در محدوده ادبیات تطبیقی وارد شود که به ادبیات های ملت های دیگر اُثر بگذارد. کمند آثاری که این مرحله رسید و توانسته اند حد و مرزها را بشکنند و وارد ادبیات های دیگر ملت ها شود. شاید به جرأت بتوان گفت که هزار و یک شب در صدر تأثیر گذارترین آثار ادبی جهان قرار دارد. در میان آثار شرق این اثر علاوه بر تأثیر گذاری پرتیراثرترین کتاب شرقی در جهان است که توانسته است بازتاب وسیعی در جهان داشته و ادبیات های ملل مختلف به بازخورد و تأثر این اثر بپردازند. اما برآستی چه دلایلی سبب شد یک اثر با خیل عظیمی از اقتباسات هنری و ادبی و تأثرات گسترده روبه رو شود؟ مسلماً زمینه های زیادی برای بروز این تأثرات وجود دارد این زمینه ها که عبارتند از برخورداری از جنبه روایی یا حکائی که سبب تأثیر گذاری در حوزه رمان گردید. سبکسحر انگیزی و جادویی که در پیدایش و ترویج گرایش رمانویسی جادویی تأثیر گذاشت. خاصیتنمایشی و درماتیکی که سبب تأثیر گذاری در حوزه هایی نظیر تئاتر، نمایش نامه و سینما گردید. بازتاب تصویر شرق و آداب و رسوم آن که سبب تأثیر گذاری در حوزه شرق شناسی گردید. پژوهش حاضر در صدد است ضمن برشمردن زمینه های تأثیر پذیری، آثاری که مربوط به آن زمینه ها بوجود آمد مورد کنکاش قرار دهد تا کارکرد و نقش این کتاب بزرگ در پرتو ادبیات تطبیقی در بوته نقدروشن سازد.

کلمات کلیدی:

ادبیات تطبیقی، هزار و یک شب، تأثیر، تأثر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/468869>

